

بررسی و نقد کتاب انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، اثر اسپوزیتو

در این نوشتار تلاش می‌شود که کتاب انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، اثر اسپوزیتو و ترجمه آقای شانه‌چی مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

بی‌گمان انقلاب ایران که گاه از آن به عنوان آخرین انقلاب قرن بیستم و حتی واپسین انقلاب به مفهوم مصطلح و کلاسیک آن یاد می‌شود، رویدادی شگرف و واقعه‌ای تاریخی و بلکه تاریخ‌ساز در سلسله رخدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی عصر ما محسوب می‌شود.

رویدادی که نه تنها در ایران به سرنگونی نظام سلطنتی چند هزار ساله انجامید و سر منشأ تاریخ و تحولاتی تازه شد؛ بلکه در خارج از مرزهای این سرزمین نیز باعث بازتاب‌ها و آثار متعدد و متنوعی شد.

مؤلف در مقدمه کتاب، از ابراز شگفتی همگان از نحوه وقوع انقلاب ایران و تلاش‌های صورت گرفته برای درک وضعیت پیچیده آن سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که این تلاش‌ها معمولاً به ساده‌سازی این واقعیت پیچیده منجر شده است. سه مکتب اصلی اندیشه برای درک و تبیین انقلاب ایران، توسط مؤلف تصویر شده که عبارت است از:

۱. نفوذ و قدرت رهبران مذهبی (ملاها)؛

۲. ناسیونالیسم ایرانی؛

۳. جنگ نخبگان.

وی در ادامه، راه چهارمی را پیشنهاد می‌دهد و می‌گوید: «ارزیابی مناسب از انقلاب ایران مستلزم چیزی فراتر از ارزیابی ماهیت رژیم است. این امر نیازمند جای دادن این انقلاب خاص در چشم‌اندازی تاریخی و مقایسه بازتاب آن بر جوامع و رژیم‌های مختلفی از خاورمیانه تا آفریقا و آسیاست». در این کتاب، بازتاب انقلاب ایران در متن خیزش جهانی اسلامی ارزیابی می‌شود.

وی برای پوشش دادن ابعاد صدور و بازتاب انقلاب از عبارت «افسانه‌ها و واقعیت‌های نفوذ و مداخله ایران» استفاده می‌کند و ارجاع حرکت‌های احیاگرانه اسلامی به انقلاب ایران و منبع دانستن آن را باعث نادیده گرفته شدن عوامل بومی احیاگری اسلامی در جهان اسلام می‌داند و همچنین این تلقی غلط را عامل عدم درک صحیح انقلاب ایران توسط سیاست‌مداران آمریکایی برمی‌شمارد.

صدور انقلاب

در بخش دوم، نویسنده در صدد است که با ارائه دو دوره زمانی ده ساله و تقسیم‌بندی کیفی رهبران و نیروهای انقلابی به آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان و با توجه به برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذی هر کدام از این طیف‌های عمل‌گرای فکری، تصویر روشنی از پیشبرد اهداف انقلاب به مخاطب خود ارائه دهد. وی تلویحاً دوران حیات حضرت امام خمینی(ره) را با دوران رهبری آیت الله خامنه‌ای مقایسه می‌کند و تلاش برای تثبیت انقلاب و نهادهای مربوطه در داخل و خارج کشور را از ویژگی‌های ده ساله اول برمی‌شمارد. انقلابیون با استفاده از دیدگاه‌های حضرت امام(ره) و ناسیونالیسم ایرانی و با ابزار نشانه‌های مذهبی و انگیزه رسالت فراملی در صدد تثبیت و صدور انقلاب می‌باشند. وفاداری به اهداف رژیم و حضرت امام(ره) از دیگر ویژگی‌های مورد اشاره است.

در این دوره که حذف نیروهای واقع‌گرا و معتدل دولت موقت در بستر آن صورت پذیرفته است، حرکت‌های آرمان‌گرایانه باعث انزوای بین‌المللی ایران می‌شود و اگر چه در زمینه نحوه صدور انقلاب اجتماعی، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود؛ ولی این هدف با رویکرد آرمانی «تضمین جهان برای اسلام» و ایجاد نظم نوین اسلامی بر اساس نظام ولایی در جهان مورد پی‌گیری واقع می‌شود.

از ویژگی‌های بارز ده ساله دوم از دیدگاه نویسنده می‌توان به برگزیدن مواضع و سیاست‌های معتدل و واقع‌گرایانه اشاره کرد که باعث ایجاد فضای همکاری در تعاملات بین‌المللی می‌شود و سیاست ارائه‌الگوی موفق و به عبارت دیگر، «مدینه فاضله» و «ام‌القرای» اسلامی که مورد توجه رهبران نظام است و می‌توان آن را یک صدور فرهنگی و الگویی نام‌گذاری کرد.

همان‌گونه که در تمام فصل‌های این کتاب می‌توان مشاهده نمود، مسئله صدور انقلاب و بازتاب آن در جهان از زاویه تأثیرات مستقیم یا غیر مستقیم انقلاب بر دیگر کشورها و نهضت‌های آزادی‌بخش مورد ارزیابی واقع شده که در این زمینه به نظر می‌آید که به حضور فیزیکی یا پشتیبانی محسوس مالی توجه خاصی شده است. بعد از بررسی یکایک کشورهای مورد تأثیر نتیجه‌گیری می‌شود که انقلاب ایران بیش از آنکه به وجود آورنده تلاش‌های انقلابی باشد، تقویت‌کننده یا شتاب‌دهنده و کاتالیزور این تلاش‌ها بوده است. در اینجا لازم است برای درک بهتر از چرایی و چگونگی سیاست صدور انقلاب و بازتاب آن در میان سایر ملل جهان به بررسی ریشه‌های انقلاب و ویژگی‌های آن و همچنین ایدئولوژی انقلاب و اصول این ایدئولوژی بپردازیم.

ریشه‌های انقلاب

ریشه‌های انقلاب را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. تشیع مکتب ظلم‌ستیزی و شهادت (که منجر به بسیج توده‌ها می‌شود)؛

۲. روند مدرنیزه کردن ایران (که توسط رضاخان آغاز شد)؛

۳. هویت ایرانی و روحیه عدالت‌جویانه آن.

وجه تمایز تشیع از اهل سنت به موضوع جان‌شینی پیامبر اسلام (ص) برمی‌گردد، به طوری که شیعیان معتقدند جان‌شینی پیامبر (ص) که توسط خود آن بزرگوار در این جایگاه منصوب شده است، همانا حضرت علی (ع) می‌باشد. همچنین یکی دیگر از نقاط برجسته در مکتب شیعه، شهادت مظلومانه حسین بن علی (ع) است که از نظر مؤلف موجب برانگیخته شدن احساس‌های مذهبی شیعیان و حضور پررنگ آنان در صحنه شده و روحیه شهادت‌طلبی‌ای که از واقعه کربلا در جوهره وجودی جامعه شیعه دمیده می‌شود، آنان را به رویارویی با ظلم و طغیان می‌کشاند.

تطابق این ظلم‌ستیزی با اندیشه‌های عدالت‌خواهانه ایرانیان باستان موجب جلوه‌گری روحیه مبارزه می‌گردد که در این میان، اقدام‌های متقابل مثل روندی که رضاخان و فرزندش در سکولار کردن جامعه ایران در پیش گرفته بودند، می‌تواند به عنوان یک چاشنی انفجاری عمل کند و چنان که در تاریخ ایران قبل از انقلاب می‌بینیم که نقاط عطف شایانی را در مسیر وقوع انقلاب به وجود می‌آورد.

ویژگی‌های انقلاب ایران

مقاله فرهنگ‌رایی با عنوان «ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی: صدور انقلاب فرهنگی ایران»، بخشی از این کتاب را به خود اختصاص داده است. وی ویژگی‌های انقلاب را در چهار محور معرفی می‌نماید:

الف. آرمان‌گرایی

رجایی آرمان‌گرایی را ناشی از تأثیر عرفان اسلامی و خصلت‌های آرمان‌گرایانه تفکر سیاسی-اجتماعی در دو سده گذشته می‌پندارد.

ب. جهان‌شمولی

اسلام دینی است که خواستار سعادت بشر بوده و برای نیل به هدف مهمش نیازمند ایجاد یک انقلاب اجتماعی است. البته چنین رویداد مهمی اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه افراد جامعه از درون دچار انقلاب شوند.

ج. مردمی بودن

از دیدگاه رجایی، علمای شیعه با توجه به اینکه در طول تاریخ در اقلیت بوده‌اند و معمولاً تعامل سلبی با حاکمان داشته‌اند، به اتکای به مردم روی آورده‌اند و با استفاده از مسئله شهادت حسین بن علی (ع) به صورت قابل ملاحظه‌ای موفق به بسیج توده‌ها شده‌اند.

د. ایرانی‌گرایی

روحیه عدالت‌جویانه ایرانیان و پادشاهان باستانی آن، به قرن ششم قبل از میلاد برمی‌گردد و یکسان‌انگاری نظام امامت و پادشاهی آرمانی نزد آریایی‌های قدیم در فلات ایران سبب تأثیرپذیری انقلاب ایران از فرهنگ سیاسی ایرانی شده است.

ایدئولوژی انقلاب و اصول این ایدئولوژی

به طور خلاصه، می‌توان ایدئولوژی انقلاب را با توجه به آثار امام (ره)، آموزه‌های شیعه اثنی عشری در ایرانیان دانست که البته در ارائه این ایدئولوژی، افراد برجسته دیگری، مثل آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله بهشتی و شهید مطهری و یا مهدی بازرگان و دکتر شریعتی نقش پر ثمری داشته‌اند.

اصول ایدئولوژی انقلاب در موارد زیر قابل احصاء می‌باشد که نقش تأثیرگذاری در صدور انقلاب را ایفا می‌کنند:

۱. تأکید بر اسلام به عنوان شیوه زندگی تمام عیار؛
۲. بازگشت به قدرت گذشته، نیازمند بازگشت به اسلام؛
۳. پذیرش الگوی غربی سکولار، منشأ مشکلات جوامع مسلمین؛
۴. شریعت، اداره‌کننده جامعه؛
۵. فرهنگ جهاد و شهادت، عامل مصونیت و پایداری.

اهداف انقلاب

الف. عدالت‌گرایی جهانی که ریشه در تفکرات دولتمردان ایران باستان دارد و در عدالت‌خواهی شیعی گسترده‌تر شده است.

ب. امام خمینی (ره) خواستار نظم جهانی اسلامی بر مبنای عدالت با استفاده از نظریه ولایت فقیه شده است.

ج. امام خمینی (ره) انگیزه انقلاب ایران را (بر خلاف انقلاب فرانسه و روسیه) الهی می‌دانست.

از مباحث مهمی که در ذیل مباحث مربوط به هر انقلابی مطرح می‌شود و به قول کرین بریتون، پیامد طبیعی شور انقلابی است، بحث صدور انقلاب است که رهبران انقلاب ایران نیز به این امر مهم توجه داشته‌اند و نامه امام خمینی (ره) به گورباچف، از جمله نشانه‌های برگزیدن این سیاست است.

از مسائل قابل توجه در رابطه با صدور انقلاب ایران می‌توان این موارد را نام برد:

۱. اختلاف بینش در نحوه صدور: به عقیده مؤلف، نیروهای انقلاب در دو گروه واقع‌گرا و آرمان‌گرا جای می‌گیرند که هر یک نگرش منحصر به خود در مسئله صدور دارند. واقع‌گرایان معتقد به الگوسازی، الگودهی و ایجاد ام‌القرای اسلامی می‌باشند؛ در حالی که، آرمان‌گرایان همان طوری که از شعارهای انقلابی‌شان، مانند: «تا انقلاب مهدی (عج) نهضت ادامه دارد» برمی‌آید، به حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ایجاد تشکل‌های رهایی در سایر کشورها توجه بیشتری نشان می‌دهند که از دیدگاه نگارنده، وقایع جنگ هشت ساله ایران و عراق، به خصوص بعد از آزادی خرمشهر، نشانگر این رویکرد انقلابی است.

۲. اختلاف در روابط با غرب: تعامل با غرب بعد از انقلاب ایران، دچار نوسان‌های مختلفی بوده است. ریشه این اختلاف به نوع نگرش واقع‌گرایانه یا آرمان‌گرایانه انقلابیون برمی‌گردد.

۳. آتش بس میان ایران و عراق، مسئله بازسازی ایران و اوضاع نابسامان اقتصادی، یکی دیگر از مسائل مهم مورد توجه در بحث صدور است.

سیاست صدور

بعد از وقوع انقلاب، اصل توازن (بین بلوک غرب و شرق) به منظور تضمین استقلال مورد توجه سیاستمداران رژیم انقلابی، به خصوص دولت موقت قرار گرفت که این اصل توسط سیاست‌شناس مشهور ایرانی، «امیر کبیر»، به جای اصل موازنه قوا مطرح شده بود.

بعد از اشغال سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) و استعفای دولت بازرگان، دوباره بحث صدور شدت گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» قوت گرفت و در بازنگری قانون اساسی به عنوان یکی از اصول آن گنجانده شد.

اهداف صدور

الف. دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت آن، که شاید بتوان در اصطلاح رایج «بازی در زمین حریف» تفسیر نمود.
ب. هدف دراز مدت در پی‌گیری سیاست صدور، استقرار نظم نوین جهانی در زیر چتر عدالت اسلامی است.

وسایل صدور

وسایل صدور به دو نوع قهرآمیز و مسالمت‌آمیز تقسیم می‌شود:

مؤلف، جنگ ایران و عراق را بعد از آزادی خرمشهر در خاک عراق، نشانگر رویکرد قهرآمیز می‌داند، گرچه در کنار این رویه قهرآمیز، از ابزارها و برنامه‌های مسالمت‌آمیز نیز بهره‌برداری می‌شود که از آن جمله، می‌توان به صدور الگویی با نگاه اسلامی کردن تمام عیار ایران اشاره کرد که از طرف آیت‌الله منتظری مطرح شده بود و بازسازی جامعه و اقتصاد کشور که توسط آقای هاشمی رفسنجانی پی‌گیری می‌شد. در کنار اینها، حمایت معنوی از جنبش‌های رهایی‌بخش و استفاده از ظرفیت تبلیغ، راهکارهای دیگری بودند که مورد نظر انقلابیون قرار داشتند.

بازیگران صدور

افراد، گروه‌ها و یا تشکلهایی که از آنها می‌توان به عنوان نیروهای انسانی و به صورت تشکیلاتی، ایفاکننده نقش صدور یاد کرد، عبارت است از:

۱. نظامیان؛ ۲. جنبش‌های آزادی‌بخش؛ ۳. دیپلمات‌ها؛ ۴. روحانیون خارجی؛ ۵. دانشجویان.

نهادهای صدور

این نهادها و سازمان‌ها به منظور پیشبرد اهداف صدور انقلاب ایران ایجاد شدند:

الف. سازمان تبلیغات اسلامی (با رویکرد صدور فرهنگ انقلاب)؛

ب. مدرسه علمیه حجتیه قم (با رویکرد جذب و آموزش طلاب خارجی)؛

ج. بنیاد فارابی (با رویکرد تولید فیلم)؛

د. بنیاد اندیشه (با رویکرد چاپ و انتشار).

قابل توجه است که این نهادها روز به روز در حال توسعه و رشد هستند؛ زیرا باعث می‌شوند که «انقلاب خود سخن بگوید».

مواع صدور

الف. چگونگی درک رهبران ایران از انگیزه‌ها و عوامل وقوع انقلاب که عامل ماورایی را در وقوع آن مؤثر می‌دانند.
ب. تصور نادرست رهبران از جوامع دیگر، برای مثال، تصویر اشتباهی که انسجام شیعیان عراق داشته‌اند که منجر به ناموفق بودن سیاست صدور در کشور همسایه ایران شد.

بازتعریف صدور

با شروع دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، دوران تازه‌ای از تلاش‌های ایران برای رهایی از انزوای بین‌المللی آغاز شد و به این منظور، برنامه‌هایی که با هدف صدور طراحی می‌شد، مورد کنترل بیشتری قرار گرفت.

نقد و ارزیابی

بعد از تبیین نکات قابل توجه در کتاب و ارائه گزارش نسبتاً مختصری از محتوای مقالات، ضروری است که نکاتی را در بخش پایانی بیان کنیم.

البته معتقدم که در مقایسه با کتاب‌هایی که در این حوزه به نگارش درآمده است، این کتاب درک و تبیین نزدیک به واقع و شایسته‌ای را از انقلاب ایران دارد و با توجه به اینکه اسپوزیتو، به عنوان یک پژوهشگر خارجی، طبیعتاً دارای محدودیت‌هایی در درک بهتر اوضاع ایران بوده است، تا حد قابل ملاحظه‌ای به بعضی از زوایای درونی مباحث تحلیلی-تاریخی توجه داشته است. به هر حال، بیان نکاتی که در ادامه می‌آید، یک درک و بینش فراگیرتر و منصفانه تری به مخاطب القا می‌کند.

۱. در یکی از مقالات این کتاب، خواننده نقش امام خمینی(ره) و دکتر شریعتی را هم‌عرض می‌داند. هر چند نگارنده در صدد انکار یا کم‌رنگ کردن نقش شریعتی نیست و تأثیر آثار ترجمه شده ایشان را در برخی کشورها، مثل مالزی، اندونزی و افغانستان نمی‌توان مورد مناقشه قرار داد، اما دادن نقش یکسان به دکتر شریعتی در کنار امام(ره) منصفانه به نظر نمی‌آید.

در اینجا لازم می‌بینم به بحثی که از سوی کارشناسان علوم سیاسی مطرح می‌شود، اشاره‌ای داشته باشم. گفته می‌شود که فعالان هر جامعه ۱۰ درصد آن را تشکیل می‌دهند که ۵ درصد در جبهه طرفداران نظام حاکم و ۵ درصد دیگر، مخالفان و اپوزیسیون می‌باشند که اگر حکومتی نتواند مخالفان را کنترل کند، می‌تواند به ادامه حیات خویش امیدوار باشد و برعکس.

اگر انقلاب را حاصل حضور توده‌های مردم در صحنه بدانیم؛ در این صورت، بی‌تردید تنها نقش مؤثر به امام خمینی(ره) اختصاص می‌یابد که توانایی قابل ملاحظه‌ای را در بسیج توده‌ها علیه رژیم پهلوی به بروز می‌رساند.

اگر انقلاب را حاصل تلاش نخبگان سیاسی بدانیم که جزء همان ۵ درصد فعال مخالف هستند؛ در این صورت، شاید بتوان با توجه به تأثیرپذیری این طیف از دکتر شریعتی و آثار ایشان نقش پررنگی را به وی داد.

نکته‌ای که در این تحلیل به آن توجه نشده است، اینکه حضور توده‌های مردم از لوازم انفکاک‌ناپذیر وقوع هر انقلابی به معنای واقعی است، گرچه نخبگان سیاسی به صورت محدود می‌توانند اقداماتی را علیه نظام حاکم به انجام رسانند؛ ولی بدون پشتیبانی عمومی و بدون پذیرش اکثریت مردم نمی‌توانند یک انقلاب تمام عیار را همچون انقلاب ایران سامان بدهند و موارد تاریخی نیز مؤید این مطلب است. حرکت‌هایی که قبل از شعله‌ور شدن در نطفه خاموش شده‌اند، معمولاً از لحاظ بسیج توده‌ها دچار خلأ بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، بدون حضور این مؤلفه مهم، حرکت انقلابی یک «کاریکاتور مغلوط» از یک انقلاب واقعی خواهد بود. در پایان، این جمله منصفانه را مورد اشاره قرار می‌دهیم: «این انقلاب بی‌نام خمینی(ره) در هیچ جای جهان شناخته شده نیست».

۲. به نظر می‌رسد که در مقالات گنجانده شده، به خصوص مقاله چهارم، تبیین انقلاب به سبک و سیاق شرق‌شناسان و با رویکرد پوزیتیویستی نگریسته شده است و نگارنده مقاله نتوانسته درک درستی از حضور معنویت اسلامی-شیعی در تحلیل وقایع انقلاب و تصمیم‌های ظاهراً مبهم رهبران ارائه دهد.
۳. نویسنده مقاله از ناموفق بودن صدور انقلاب در برخی کشورها، مثل عراق اظهار تعجب می‌کند؛ اما در قضاوتی متناقض از تأثیر زیرکانه انقلاب سخن به میان می‌آورد.
۴. نقدهای مهمی که هر خواننده آشنا با انقلاب ایران را آزار می‌دهد، تعمدی است که در صدد القای بی‌تأثیر بودن یا کم‌تأثیر بودن انقلاب ایران در احیای اسلام به مخاطب می‌باشد که اگر این نکته را با نکته قبلی کنار هم بگذاریم، ضرب‌المثل ایرانی «دروغگو کم حافظه است» در اذهان تداعی می‌شود.
۵. در تقسیمی که از دوران بعد از انقلاب صورت گرفته، قضیه حکم اعدام رشدی، به عنوان نقطه عطفی در بررسی‌ها و سیر تطورات وقایع بعد از انقلاب دانسته شده است که برجسته‌سازی غیر واقعی و توضیح و شرح غیر ضرور در این بحث ملاحظه می‌شود.
۶. این تحلیل که در اقلیت بودن علمای شیعه باعث اتکای آنان به مردم شده است، یک نگاه تک‌سویه می‌باشد و ابعاد دیگر، مثل رابطه اخلاقی و معنوی و هدایت‌گرانه علمای شیعه در برقراری چنین روابط مستحکمی با توده‌های مردم نادیده گرفته شده است. البته بیان چنین مطلبی تلویحاً و یا به طور ناخواسته، موفقیت روحانیت شیعه در همراه کردن و بسیج توده‌های مردمی را نشان می‌دهد.
۷. پی‌گیری بحث صدور انقلاب در محورهای مستقیم و غیر مستقیم و محوریت دادن به حضور فیزیکی و تسلیحاتی یا مالی و اجتماعی، از بارزترین مباحث مربوط به صدور انقلاب است، که لازم بود بررسی بیشتری در محورهای دیگر در نحوه صدور و ارزیابی طراز موفقیت یا عدم موفقیت انقلاب ایران در آن محورها مورد تبیین واقع می‌شد. همچنین مؤلف می‌توانست تأثیرات انقلاب را از جنبه‌های سلبی یا ایجابی هم دنبال کند.
۸. با توجه به اینکه محور مباحث، بازتاب انقلاب ایران است، به نظر می‌آید لزوم چندانی نداشت که در وقایع تاریخی ورود قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و باید بیشتر به صورت تحلیلی به قضایا نگریسته می‌شد.
۹. شایسته و لازم بود که اولاً مبحث جداگانه‌ای، با عنوان و تیترو مستقل، به موانع صدور انقلاب اختصاص داده می‌شد. دوماً اقدام‌های مختلف کسانی که منافع آنها به طور طبیعی با وقوع انقلاب اسلامی ایران به خطر افتاده، یعنی «دشمنان» را در مهار انقلاب و عدم صدور آن به نحو قابل ملاحظه‌ای تبیین نماید.
- گرچه بیشتر تلاش شده که استراتژی مهار از درون، توسط بعضی از رهبران انقلاب و با استفاده از تعبیری چون «نیروهای معتدل» یا «واقع‌گرا» پوشش داده شود؛ اما در این میان، نقش استراتژی‌های مهار از بیرون مورد غفلت واقع شده است.
۱۰. در بعضی از مقالات حاضر در این کتاب سوء تعبیرهایی ملاحظه می‌شود، مانند: تعبیر از رقابت‌های سیاسی به «نزاع قدرت» و تعبیر از انقلاب اسلامی ایران به «انقلاب ایران» (در حالی که معمولاً از انقلاب‌های ایدئولوژیک به قول غربی‌ها با واژگان مکتبی یاد می‌شود، مثل انقلاب بورژوازی فرانسه یا انقلاب بلشویک روسیه و یا انقلاب استقلال طلبانه آمریکا و انقلاب صنعتی انگلیس) و تعبیر از جریان‌های فکری-تحلیلی انقلاب به «مکتب اندیشه» در مقدمه اسپوزیتو.